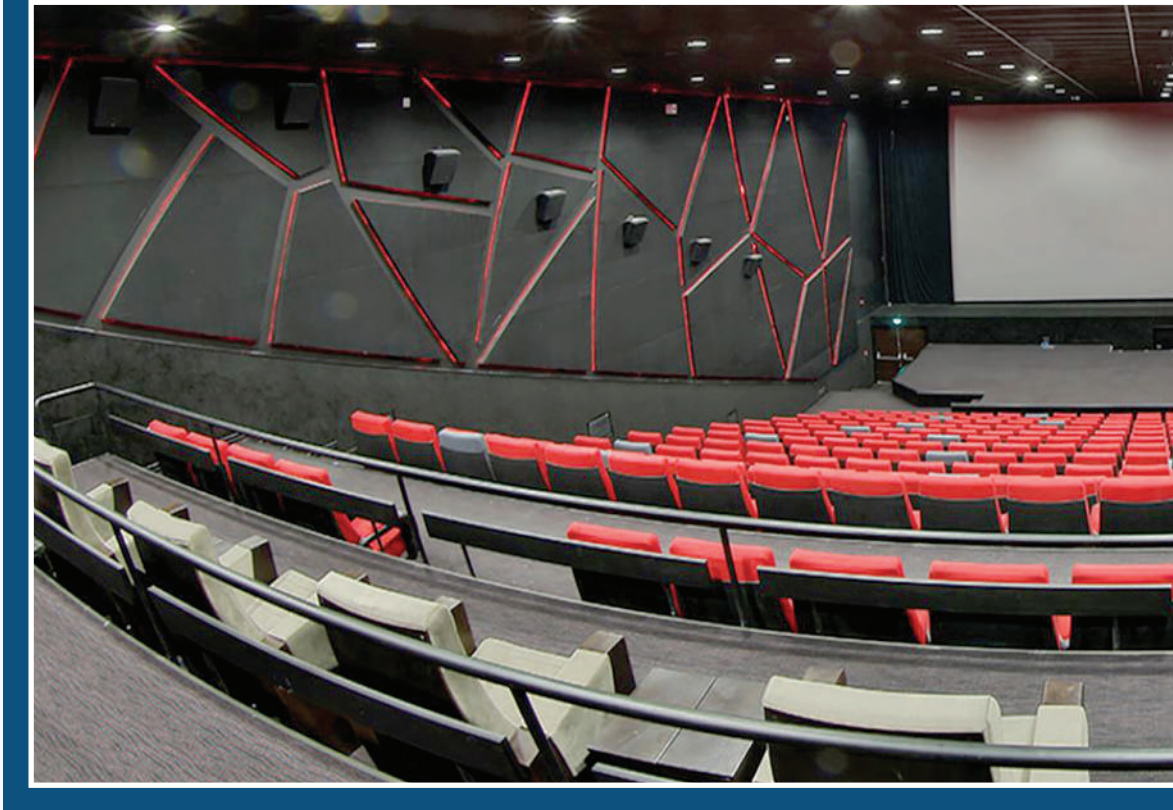


# می شود؟



ساخت فیلم برای اکران!

محسوب نمی شود، زیرا لذت تماشای فیلم در بار دوم بسیار کاهش می یابد. به بیان دیگر، عمل جست و جو و مشاهده، که در میان سایر کالاها برای انتخاب مشتری ضروری است، در مورد فیلم مصداق ندارد. این مسئله در صنعت فیلمسازی مشکل آفرین است، چرا که در صورتی که نتوان کیفیت محصول را به اطلاع عموم رساند، ممکن است تولیدکنندگان را به تولید محصولات «بنجل» تشویق کند و مصرف کنندگان را از صرف هزینه برای آن کالا منصرف سازد. زیرا آن ها از میزان و کیفیت این نوع محصولات باخبر نشده اند. سینمای ایران جرات این ریسک را ندارد. بنابراین یا فقط به تکرار موفقیت های قبلی می پردازد، یا اساسا به اکران فکر نمی کند!

۵- بسیاری از تهیه کنندگان نه به خاطر کسب سود بلکه به خاطر دستمزد، فیلم تهیه می کنند. اجرت آنان (که گاهی بسیار سخاوتمندانه است) از هزینه دستمزد تهیه کننده که در بودجه تولید فیلم پیش بینی می شود، تامین می گردد. حتی در صورتی که پروژه فیلم هیچ چیزی برای سرمایه گذاران نداشته باشد، تهیه کننده دستمزدش را می گیرد. در تمام دنیا نیز چنین است. در تمام کشورهای دارای صنعت فعال و پویای دنیا نیز چنین است. اما آنها تابع اقتضات بازار هستند. قوانین و مقررات مالی، که تقاضای بازار آن را تحمیل می کند، سازندگان فیلم در هالیوود را ناچار می سازد که فیلم های خود را متناسب با ذائقه سینماورها بسازند. اما در ایران اکثریت قریب به اتفاق فیلم ها تابع پسند مدیران و حامیان مالی است. پسند آنها که تامین شد کار تمام است. بودجه هم که از کانال های مختلف دولتی، نیمه دولتی و شبه دولتی پرداخت می شود. دیگر نه فروش مهم است و نه پسند مخاطب.

۶- تهیه کننده می کوشد با پول جیب خودش فیلم نسازد. بنابراین به جای اصل ساده و ولی بنیادین مخاطب شناسی، تلاش می کند مدیر شناسی کند. می کوشد دریابد در بین مدیران چه می گذرد، حرف از چیست و مدیران نا آشنا با سینما چه شنیده اند و در نتیجه چه چیزی را در حرف های شان تکرار می کنند. آنان طرح ها را متناسب با این ذائقه مدیر پسند ارائه می دهند.

۷- نتیجه آن که کمتر کسی است که به یک اکران خوب فکر کند. در نتیجه فیلم ها مدتی می ماند و می روند، تا فقط رنگ پرده به خود ببینند و اکران شوند و دیگر هیچ. کسی روی فروش حساب نکرده بود که حالا بنشینند و فیدبک بگیرد و بر اساس آن برای آینده تصمیم بگیرد. (چنین است که می بینیم فیلمسازانی هستند که چند فیلم توقیفی یا اکران نشده یا نیمه کاره دارند، اما هنوز به دلیل حضور در دایره روابط، فیلم بعدی شان را می سازند!)

۸- تا سینما در ایران به یک صنعت واقعی تبدیل نشده اوضاع اکران همین خواهد بود. صنعت کامل یعنی توجه به عرضه و تقاضا. یعنی ساخت فیلم برای کسانی که حاضرند برای دیدن فیلم پول بلیت بدهند. یعنی

ورشکستی مالی آثار سینمایی شود. اتفاقی که امسال و با اکران تعداد بسیار بالایی از فیلم ها شدت دو چندان گرفته و انتقاد بسیاری از فیلمسازان را در برداشته است. اگرچه فیلم های اکران نوروزی توانستند در کمتر از دو ماه فروش بی سابقه ای داشته باشند اما اکثر فیلم های سینمایی نیازمند زمان بیشتری هستند و بنابراین در ساختار جدید فیلم سوزی یک اتفاق غیر قابل اجتناب خواهد بود و گروهی از فیلم ها بدون آنکه فروش چشمگیری داشته باشند، به سرعت سالن هایشان را با فروش چند صد میلیونی از دست خواهند داد. سیاست کاهش مدت اکران فیلم های سینمایی در دستور کار قرار گرفته تا بدین ترتیب، فیلم های بیشتری به نمایش در آید اما یک ارزیابی ساده نشان می دهد چنین نگاهی به حوزه اکران که با هدف افزایش آمار فیلم های اکران شده در طول سال پیگیری می شود، تنها منجر به فیلم سوزی خواهد شد. در گذشته استمرار اکران یک فیلم مستلزم فروش بیش از کف تعیین شده با مبالغ متفاوت برای سینمای سرگروه نمایش دهنده فیلم های سینمایی بود.

مطابق با رویکرد جدید، حتی اگر سینمای سرگروه یک فیلم سینمایی چندین برابر کف فروش، بلیت فروشی داشته باشد اما مدت اکران فیلم از هفت هفته عبور کرده باشد، فیلم از پرده سینماها پائین کشیده می شود. اما اکثر فیلم های سینمایی نیازمند زمان بیشتری هستند و بنابراین در ساختار جدید فیلم سوزی یک اتفاق غیر قابل اجتناب خواهد بود و گروهی از فیلم ها بدون آنکه فروش چشمگیری داشته باشند، به سرعت سالن هایشان را با فروش چند صد میلیونی از دست خواهند داد.

با این رویکرد شاید تعداد فیلم هایی که امسال اکران می شود، نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و قطعا فروش کل سینمای ایران در سال جاری نیز افزایش خواهد یافت اما در نهایت شمار فیلم هایی که به سوددهی نرسیده اند، ممکن است بیش از سال گذشته باشد و در واقع با این رویکرد سوددهی سینما برای بسیاری از سرمایه گذاران، دشوارتر از گذشته خواهد شد.

بنابراین با قاطعیت می توان ادعا کرد گلوگاه اصلی فیلم سوزی در سینمای ایران در سینماها می گذرد و نبود یک قانون مصوب یا بازدارنده به آنها این جسارت و جرات را داده است تا هر طور که دوست دارند عمل کنند و در همین روش خودجوش مخاطبان را به سمت یک یا چند فیلم خاص گسیل و به این ترتیب نقش مهمی در تعیین ذائقه بسیاری از مخاطبانی بازی می کنند که به شکلی ناخواسته در این دام گرفتار شده و بخشی از پازل مهندسی اکران در سینمای ایران قرار می گیرند.

## ذبیح الله رحمانی (منتقد سینما): سینمای مستقل قربانی جناح ها

تعریف ها از سینمای مستقل ایران و جهان، متنوع و گاهی هم ضد و نقیض است. باید اعتراف کرد که تاریخ مستقل سینمای جهان همزمان با تاریخ سینمای گیشه متولد شد. فیلم های جریان ساز و تاثیر گذار که در رشد و بالندگی سینما، نقش بسزایی داشته اند و قطعا سینمای پیشرو و مستقل خیلی بهتر از ساخته های استودیو های بزرگ، نقش آفرینی نموده اند. اما سینمای ایران طی دو نظام سیاسی پهلوی و جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف پنهان و آشکار نقش کلیدی را ایفاء نموده و سمت و سوی سینمای پر مخاطب همیشه اسیر تصمیمات دست اندر کاران بالا دستی بوده و خواهد بود. در این میان فیلمسازانی دارای پشتوانه فکری نه مالی، با دغدغه های فرهنگی و اجتماعی دست به عصا، با ساختن فیلم های ماندگار و خارج از قاعده مرسوم، نقش حیاتی در تداوم سینمای مستقل ایفا کرده اند. بیش از ده سالی هست که یک سری از فیلمسازان تازه نفس و جوای نام برای ماندگار شدن در تاریخ سینمای ایران و حتی جهان تمام قد در تکاپو هستند و فیلم های تولید شده این قشر رو به رشد بوده اما با موانع متعددی روبرو شده اند.

از طرفی نظام سینمایی با مهندسی استعداد کشی سعی فراوان نموده که فیلم های تولید شده را در برزخ پخش و دیده نشدن نگه دارد و همدستی پخش کنندگان رانت جو و سینما داران شخصی، خصولتی و دولتی مانع پخش فیلم های اینگونه افراد می شوند و اگر همه راه ها و موانع عدم پخش سد راه فیلمسازان، کم اثر شده، با شیوه اکران نصف و نیمه و بدون تبلیغات کافی، فیلم سوزی را جایگزین عدم همراهی می کنند. این شیوه مرگ تدریجی فیلم های عزتمند است که به تبع آن کنار گذاشتن مخاطب فهیم را به دنبال دارد.

نکته جالب و شگفت انگیز این است که مسئولین دائم پشت تر بیون های اختصاصی شان در حمایت از اینگونه فیلم ها، فرمایشات ذی قیمتی ارائه می دهند و پشت پرده نیز، ریشه این نوع فیلم ها را خشکاننده و نابود می کنند. افرادی هستند که اینگونه فیلم ها، را سرلوحه اهداف شان قرار می دهند و طبیعتا کسانی هم هستند از آگاه شدن و اهمه دارند و دوست ندارند مخاطبان رو به اندیشه ورزی بیابوند. بخاطر همین است که سینمای مستقل را گاهی بالای دار می برند و گاهی هم از ترس بالای دار، آن را در نطفه خفه می کنند.

با همه این تفاسیر، باید گفت که اینگونه فیلم ها به حیات خودشان ادامه می دهند و با هر کورسویی هر چند کم، در مسیر شان که همانا روشنگری است، ثابت قدم هستند.

## پیمان شوقی (منتقد سینما و مترجم): پای مخاطبان فرهیخته از سینما بریده شده است

اصطلاح فیلم سوزی برای دست اندر کاران سینمای ایران عبارتی آشناست. زمانی به فرایند پالایش دفاتر تولید و پخش از ماترک سینمای پیش از انقلاب اتلاق می شد و حالا یک دهه ای می شود که منظور از آن، تحمیل سانس های پرت و بی مشتری به فیلم های غیر تجاری و یا آثاری است که تهیه کننده و پخش کننده دلسوز و پی گیر ندارند و عملا مانع از فروش معقول آن فیلم ها می شود.

بحث فیلم سوزی را می شود هم از منظر اقتصادی (هدر رفت سرمایه ها) طرح کرد، هم از نظر اجتماعی (حذف گروه هایی از مخاطبان) و هم به لحاظ سیاسی (عدالت فرهنگی)، عجلتا به عنوان منتقد، نخستین مشکل شخص من با این داستان کم شدن امکان تماشای فیلم هاست. همه می دانیم که حرف و حدیث پشت سر سینمای ایران و منابع مالی اش زیاد است و پی جویی این حرفها هم به من منتقد نوعی ربطی ندارد، ولی دیدن این تمامیت خواهی آشکار صاحبان و پخش کنندگان فیلم های تجاری محض باعث تعجب و تا حدودی هم تاسف می شود. چرا که با راندن فیلم های آبرومند به گوشه رینگ و محروم کردن شان از مخاطب، عملا پای مخاطبان تحصیل کرده و فرهیخته را از سالن های سینما بریده اند و بخشی از ظرفیت اقتصادی آن را خنثی کرده اند. در بحث فیلم سوزی تایحال همیشه صحبت از خوردن حق فیلمسازان غیر تجاری بوده است. امیدوارم کسانی به فکر حقوق ضایع شده حداقل یکی دو میلیون مخاطب فرهیخته ای هم باشند که به احترام شخصیت خود و برای حفظ سلامت اخلاقی خانواده، مایل به تماشای فیلم های گل اکران نیستند و عملا حق شان در استفاده از سالن های سینما، پایمال زیاده خواهی سلاطین اکران شده است!

## فریده ذاکری (منتقد سینما): عدم مهندسی سانس ها، نداشتن مدیریت تبلیغات، اکران های فله ای

شیوه اکران و همین طور تعداد آثار اکران شده در نیمه دوم سال همواره یکی از بزرگترین مشکلات و معضلات سینما به خصوص پخش کنندگان آثار است. این پدیده که طی سال های گذشته با افزایش تعداد آثار تولیدی افزایش یافته به فیلم سوزی مشهور است. وضعیت اکران در نیمه دوم سال همواره از سوی کارگردانان سینما مورد نقد بوده و به گفته اکثر فیلمسازان این روند اکران باعث شکست اقتصادی آثار خواهد شد. البته شورای صنفی نمایش همواره مخالف این قضیه بوده و اعتقاد دارد که اکران در نیمه دوم سال نمی تواند موجب